قرآن پژوهی در حوزه علمیه خراسان

سیّد محمدحسین موسوی مبلّغ

یادآوری:

درشماره دوّم، پیشینه تلاشهای قرآنی دوحوزه علمیه خراسان، از آغاز قرن چهارم هجری را پی گرفتیم. پس از معرفی مفسّران شیعه خراسانی در قرن چهارم، به یادکرد مفسران وآگاهان علوم قرآنی این خطه در قرن پنجم پرداختیم و آثار قرآنی ونام بلند چند تن از این مشعل داران قرآنی را به رشته تحریر درآورده و از دید خوانندگان گذراندیم. اینک به معرفی دیگرتلاشهای قرآنی این قرن(قرن پنجم)می پردازیم.

التنویر فی معانی التفسیر (قرن پنجم هجری)

اثری است از محمّد بن حسن فتّال فارسی نیشابوری در تفسیر قرآن کریم که در قرن پنجم هجری قمری نگارش یافته است.

محمّدبن حسن فتّال در نیشابور به دنیا آمده ودرهمان شهر اقامت داشته است. وی از ثقات شیعه واساتید ابن شهرآشوب بوده است.

درکتاب معالم العلماء، تألیف ابن شهرآشوب می خوانیم:

«ابوعلی محمدبن حسن واعظ معروف به ابن الفارسی، از اساتید رشید الدّین ابوجعفر محمّدبن علی بن شهرآشوب سروی بوده، وی به دست ابوالمحاسن شهاب الاسلام، عبد الرزاق حاکم نیشابور برادر زاده خواجه نظام الملک طوسی کشته شد.[1]

ابن شهرآشوب، درمتن کتاب، آنجا که شرح حال او را بیان می کند، نیز او را از اساتید خود معرفی کرده است[2].

ابن شهرآشوب، برای وی سه کتاب نام می برد و می نویسد:

«از آثار اواست: التنویر فی معانی التّفسیر، روضة الواعظین و تبصرة المتعلمین[3]»

تفسیر وی روایی به نظر می رسد وهدف وی ازنگارش آن، اظهار فضیلت اهل بیت پیامبر بوده است.

شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعة می نویسد:

«تفسیر فتّال، اثرکسی است که شیخ منتجب الدّین از وی یاد کرده واو را «ثقه» دانسته وگفته است: شیخ محمدبن علی فتّال نیشابوری، صاحب تفسیر و ثقه است. جماعتی از ثقات از تفسیر وی به من خبر داده اند[4]»

آقا بزرگ تهرانی در پایان شرح حال وی می نویسد:

«التّنویر فی معانی التفسیر نوشته شیخ ابوعلی محمّدبن حسن بن علی بن احمد فتّال فارسی نیشابوری شهید است که ابن شهرآشوب، (م: ۵۸۸ هـ. ق.) درنزد وی تلمّذ کرده است و ابوعلی فتّال شهید نیز عمرطولانی داشته است، زیرا عصر سید شریف مرتضی (م: ۴۳۶ هـ. ق.) را درک کرده واز اواستماع حدیث کرده است...[5]»

تفسیر پاك (قرن پنجم هجری)

تفسیر سوره مبارکه بقره وبه زبان فارسی است. این تفسیر ناقص است و مجموعه باقیمانده آن ازآیه ۶۵ تا آیه ۱۵۱ آن سوره است.

نویسنده وزمان دقیق نگارش آن معلوم نیست، ولی از لابه لای کتاب و مطالب متن تفسیر به دست می آید که نویسنده اهل خراسان بوده و نیز تفسیر یادشده را در حدود سال ۴۵۰ هـ. ق نوشته است. تفسیر یادشده دراوایل سال ۱۳۵۴ هـ. ش از سوی «بنیاد فرهنگ ایران» چاپ و در اختیار اهل تحقیق قرار گرفته است.

نویسندهٔ طبقات مفسران شیعه در معرفی این تفسیر می نویسد:

«... ودر حدود سال ۴۵۰هـ. ق. تحریر شده است وبه تفسیرهای

دیگر شباهت ندارد، کاتب نسخه در نوشتن کلمات، برای حروف مخصوص فارسی «پ» و «گ» وحروف اضافه «ی» آخر کلمات و «ی» مجهول تشخیص قائل شده است. نسخه عکسی آن، متعلق به دانشگاه لاهور می باشد.[۶]

تلاشهای قرآنی دانشمندان شیعی خراسان در قرن ششم هجری

خراسان در قرن ششم نیز شاهد تحولات عظیم و گسترده در زمینه تفسیر و علوم قرآنی بود. با این که کار تفسیرنگاری درقرن ششم در بسیاری از نقاط جهان اسلام رونق مهمی نداشت، ولی خراسان چون از مشهد امام معصوم و حوزه علمیه بنیان شده درآن الهام می گرفت، روز به روز در زمینه علوم اسلامی و قرآنی، پیشرفتهای مهمی از خود نشان می داد.

واینک تلاشهای قرآنی دانشمندان شیعی خراسان در قرن ششم را به ترتیب تاریخ زندگی علما و مفسران مورد نظر، پی می گیریم.

تفسیر روض الجنان

این تفسیر به قلم شیخ ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد خزاعی رازی(در نیمه نخست قرن ششم)به زبان فارسی نگارش یافته است. شیخ ابوالفتوح رازی از رجال علمی ودانشمندان سده پنجم هجری و شیعه مذهب بوده است. وی در اصل اهل ری بوده، ولی در آغاز زندگی به منظور فراگیری علوم مختلف اسلامی به شهرنیشابور هجرت کرد. او، تمام مراحل تحصیلی خود را در نیشابور به پایان رسانید وبه همین دلیل با وجود این که اهل ری است، نسبت وی به نیشابور خراسان نیز داده شده است.

سیدحسن صدر در معرفی مفسران شیعه می نویسد:

«از مفسران برجسته شیعه، شیخ ابوالفتوح رازی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد خزاعی رازی نیشابوری است. او رئیس علمای عصر خویش بود و در نهایت به محل خویش بازگشت. وی آثار قلمی فراوان دارد که از آن جمله تفسیر «روض الجنان» در ده جلد است.[۷]

این که تفسیر روض الجنان درکجا نگارش یافت، در ری یا نیشابور؟ به خوبی معلوم نیست. ولی تردیدی نیست که شیخ ابوالفتوح رازی همه دریافتهای علمی خود را در زمینه های مختلف علوم اسلامی از جمله تفسیر و علوم قرآن، در نیشابور به دست آورده است.

تفسیر ابوالفتوح رازی در میان دیگر تفاسیر، ازجایگاه والایی برخوردار است. شیعه وسنی با دیدی بلند به آن می نگرند وهمه مفسران از آن نقل می کنند.

ملاعبدالله اصفهانی درکتاب ریاض العلما می نویسد:

«تفسیر ابوالفتوح رازی ازبهترین، مفیدترین و نافع ترین تفسیرهاست. چون او را دیدم خود را دربرابر اقیانوسی بیکران احساس کردم.[۸]

ترجمة القرآن

اثری است از ابوالفتح حسین بن علی بن محمّدبن احمد خزاعی نیشابوری، معروف به ابوالفتوح رازی م: حدود ۵۵۰ هـ. ق. که در ترجمه و تفسیر قرآن کریم، به زبان فارسی نگارش یافته است.

سبک نگارش

وی نخست یک یا چند آیه از قرآن کریم را یاد می کند وآن گاه ترجمه فارسی هرکلمه ازآیه را درکنار آن بیان می دارد وسپس به تفسیرقرآن می پردازد و تفسیر را از ترجمه با این جمله جدا می کند: «این ظاهر سوره است»

دراین قسمت، به شرح تأویل و تفسیر آیه از جهات مختلف می پردازد...[۹]

با توجه به رشد مکاتب عرفانی درآن قرن، می توان گفت: تفسیریادشده به شیوه عرفا نگارش یافته و مطالب تفسیری آن که پس از ترجمه آغاز می شود، در حقیقت پرداختن به تأویلات عرفانی آیات است.

تفسیر یادشده، افزون بر تفسیر تفسیری برقرآن کریم، ترجمه ای است ازآیات قرآن به زبان فارسی واین، نشان دهنده اهتمام دانشمندان شیعی خراسان در قرن ششم هجری به تلاشهای قرآنی در ابعاد گوناگون آن است.

مجمع البیان فی تفسیرالقرآن

این تفسیر، اثری است گرانقدر و به یادگارماندنی که به قلم امین الدین یا امین الاسلام، ابوعلی الفضل بن حسن بن الفضل طبرسی طوسی سبزواری رضوی یا مشهدی، در تفسیر، تبیین مرام

و تأویل قرآن کریم، در نیمه اوّل قرن ششم هجری به زبان عربی نگارش یافته است.

امین الاسلام طبرسی، از بزرگان علمای امامیه در قرن ششم هجری بوده و چنانکه پس از این بیان خواهیم کرد، تفسیر و دیگر آثار علمی وی در میان علمای اسلامی ازموقعیت ویژه وجایگاه خاصی برخوردار است.

امین الاسلام طبرسی، در اصل از مردم سبزوار بود و در سال ۴۷۰ هـ. ق درشهر مذهبی ـ علمی مشهد دیده به جهان گشود و رشد فکری وعلمی خود را ازاین شهر که منبع فیض است دریافت. وی علوم مختلف: فقه، اصول، حدیث و تفسیر و... را از علما و دانشمندان طوس و مشهد الرضا فراگرفت و به قول امیر سید مصطفی تفریشی در کتاب «رجال»، در سال ۵۲۳ به سبزوار کوچید و درسال ۵۶۱ هـ. ق. دارفانی را وداع کرد.[۱۰]

مدّت عمر، تاریخ وفات و محل وفات او را علما و شرح حال نگاران، مختلف یاد کرده اند، قدر مسلّم این است که زادگاه، محل رشد فکری و مدفن وی مشهد است.

سبک نگارش

امین الاسلام طبرسی، در نگارش تفسیر مجمع البیان، سبک معین وثابت اتخاذ کرده و از اوّل تا آخر کتاب، در روش خود، تغییری به وجود نیاورده است وهیچ گونه تقدّم و تأخری در عناوین مورد بحث، از سوی وی، صورت نگرفته است.

روش تفسیری وی به شرح زیراست:

۱. نخست یک آیه از سوره مورد بحث را یاد می کند.

۲. در صورت اختلاف قراءت، بحث قراءت را مطرح ساخته و آرای قاریان مشهور را یاد می کند.

۳. در مرحله سوّم، به بحث لغوی می پردازد وکلمات را از دیدگاه اهل لغت، ریشه یابی می کند.

۴. آن گاه مباحث ادبی را تحت عنوان «الاعراب» می آورد و گاهی آرای دانشمندان ادبیات عرب را به طور مشروح بررسی می کند.

۵. اگر آیه مورد تفسیر، اسباب یا سبب نزول داشته باشد، در مرحله پنجم یاد می شود وگاهی در بحث سبب نزول، گفته های مفسران گذشته، به طور مشروح بررسی می شود.

۶. درمرحله ششم، تحت عنوان «المعنی» تفسیر آیه را آغاز می کند ودراین قسمت از بحث، گفته های مختلف مفسران گذشته از صحابه و تابعان را یاد می کند وخود در بسیاری موارد، نظری خاص ارائه نمی کند.

جایگاه تفسیر مجمع البیان درمحافل علما

درمیان مجموعه آثاری که دربارهٔ قرآن تاکنون نوشته شده است، مجمع البیان از جایگاه بلندی برخوردار است. مؤلفان، شرح حال نگاران و تفسیرپژوهان به اتفاق، مجمع البیان را در جامعیت، اتقان و استحکام مطالب، ترتیب و تنظیم دقیق، تبیین وتفسیر روشن و سودمند آیات، انصاف در نقد و بررسی آراء و... ستوده اند. مفسران و دانشمندان اهل سنت وجماعت، ارزش تفسیری این کتاب سودمند را بیش از هر تفسیر دیگر دانسته وآن را به بزرگی یاد کرده اند.

واینک به مواردی از اظهار نظر برخی از دانشمندان نگاهی می اندازیم:

عبدالمجید سلیم، مفتی دیار مصر و رئیس اسبق دانشگاه الأزهر، در تمجید از مجمع البیان می نویسد:

«... مجمع البیان کتابی است گرانقدر، سرشار از دانش، آکنده از فواید، با ترتیب نیکو که اگر بگوییم این تفسیر سرآمد کتابهای تفسیری و مرجع دانشها و بحثهای قرآنی است، مبالغه نکرده ایم»[۱۱]

ونیز شیخ محمود شلتوت، در مقدمه ای که بر چاپ مصر این تفسیر نگاشته است، می نویسد:

«مجمع البیان درمیان کتابهای تفسیری، بی همتاست، این تفسیر با گستردگی، ژرفی و تنوع بحثهایش، در تبویب، تنظیم و پیرایش مطالب، دارای ویژگی وامتیازی است که درمیان آثار پس از آن کم نظیر است.»[۱۲]

دکتر محمّدحسین ذهبی می نویسد:

«درتمام مباحثی که وارد شده است، به زیبایی و نیکویی سخن گفته است. آن گاه که از قراءتها و چگونگی آن بحث کرده و هنگامی که از اعراب ومباحث مربوط به آن سخن گفته و یا به تبیین تفسیر جملات آیات پرداخته، ازعهده آن به خوبی برآمده است. درنقل حوادث وعرضه قصص وبحث اسباب نزول درحدکافی

پرداخته وهنگامی که از مباحث فقهی، سخن به میان آورده، اقوال فقهای اسلام را مطرح کرده و به دفاع از مذهب خود برخاسته و مختار خود را آشکار کرده است.[۱۳]

آنچه بیان شد اظهار نظر محققان و پژوهشیان اهل سنت وجماعت در مورد تفسیر مجمع البیان است وامّا درمورد بیان نظر علمای شیعه، دراین خصوص، فقط به بیان کوتاهی از شهید اوّل، بسنده می شود.

شهید اوّل، در اجازه به شیخ فقیه علی بن حسن بن محمد خازن حایری می نویسد:

«کتاب مجمع البیان امام امین الدّین طبرسی را روایت می کنم وآن، کتابی است که همانندش نگاشته نشده است.»[۱۴]

دیگر آثار تفسیری طبرسی

امین الاسلام طبرسی، غیر از تفسیر مجمع البیان، کتابهای دیگری نیز در زمینه، تفسیر وعلوم قرآنی تألیف کرده که هریک از جایگاه رفیع و شهرت به سزایی برخوردار است وآن آثار، در ذیل یاد می شود:

۱. تفسیر جوامع الجامع

این تفسیر، پس از مجمع وبه درخواست فرزندش نوشته شده است[۱۵] و در حقیقت، خلاصه تفسیر مجمع البیان است که علاوه بر ویژگی وامتیازات دیگری که خود دارد، از شهرتی تام برخوردار است واکنون جزء دروس امتحان سالانه حوزه علمیه مشهد، برای طلابی که به تحصیل سطوح عالیه مشغولند، قرار گرفته است.

۲. الکلام الشاف من تفسیر الکشّاف[۱۶]

این تفسیر، گزینشی است از تفسیر کشاف امام جارالله زمخشری که مفسر پس از انجام از نگارش تفسیر مجمع البیان، از تفسیر کشّاف، مطالعه دقیقی به عمل آورد وخلاصه و گزیده آن را به رشته تحریر کشید که درآن گزیده، برخی از ویژگیهایی را که صاحب کشاف متعرض نشده بود وخود نیز در تفسیر مجمع و جوامع، ازآن غفلت کرده بود، یادآور شده است.

۳. النّور المبین[۱۷]

این تفسیر نیز به قلم ابوعلی طبرسی نگارش یافته است، ولی چون نگارنده تفسیر یادشده را مطالعه نکرده واز سوی دیگردرآثار محققان نیز در معرّفی آن به مطلبی برنخورده است ودر آثار فهرست، تراجم ورجال نویسان، تنها ابن شهرآشوب از آن یادکرده است، از این روی، به همین مقدار از معرفی اکتفا می شود.

۴. الوسیط فی علوم القرآن[۱۸]

این کتاب، درعلوم قرآنی نوشته شده، چنانکه ازنامش نیز پیداست، ولی این که چه بابهایی از علوم قرآنی را متعرض شده است، نیز به خوبی معلوم نیست.

شیخ منتجب الدّین، این کتاب را در تفسیر و چهارجلد دانسته است.[۱۹]

۵. الوجیز

شیخ منتجب الدّین، این کتاب را نیز از آثار تفسیری شیخ طبرسی شمرده است. در کتاب نقد الرّجال نیز آن گاه که نوشته های مرحوم طبرسی را یادمی کند، «الوجیز» را دو جلد دانسته است.[۲۰]

آثار تفسیری و غیرتفسیری ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی:

۱. مجمع البیان.
۲. جوامع الجامع.
۳. الکلام الشاف من کتاب الکشّاف.
۴. النور المبین.
۵. الفایق.
۶. اعلام الوری باعلام الهدی.
۷. الآداب الدینیة للخزانة الغیبیة.

مرحوم علامه سید محسن امین عاملی، صاحب اعیان الشیعه در مقدمه ای که بر تفسیر مجمع البیان نگاشته است، به جز آثار یادشده، ۱۳ اثر دیگر نیز برای شیخ طبرسی یاد می کند که تفصیل را می توان از آن جا دریافت.[۲۱]

تفسیر البیهقی

این تفسیر، اثری است گرانقدر از ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیهقی، مشهور به فرید خراسانی (۴۹۵ ـ ۵۶۵ هـ. ق).

آقا بزرگ می نویسد:

«صاحب معجم الادباء، شرح حال او را ازکتاب خود نویسنده، به نام «مشارب التجارب» در معجم الادباء(ج ۲۱۹/۳) یادکرده و تفسیر او را که« اسئلة القرآن مع الاجوبة» نامیده است، در اوّل کتاب خود قرار داده و آن را یک جلد شمرده است و«اعجاز القرآن» را که (کتاب دیگری از بیهقی در تفسیر است) یک جلد شمرده ونیز کتاب دیگر اورا به نام«قرائن آیات القرآن» یک جلد شمرده است ومایادآور شدیم که او از کسانی است که در مورد قرآن تألیفات فراوانی دارد.[۲۲]»

ابن شهر آشوب، ابوالحسن بیهقی را از بزرگان زمان خودش و فرید خراسانی خوانده وبرای وی، کتابهای زیادی یاد می کند. وی می نویسد:

«برای ابوالقاسم زیدبن الحسین بیهقی، کتابی است به نام «حلیة الاشراف» ... وبرای پسرش ابوالحسن که فرید خراسانی است، کتابهای زیادی است وازجمله کتابهای موارد ذیل است:

۱. تلخیص مسائل الذریعة سید مرتضی.

۲. الافادة للشّهادة.

۳. جواب یوسف یهودی عراقی[۲۳]»

تفسیر البصایر

تفسیری است از شیخ ظهیرالدّین ابوجعفر محمّدبن محمود نیشابوری که در تاریخ۵۷۷ هـ. ق. به زبان فارسی نگارش یافته است. این تفسیر کتابی است بزرگ که در چند جلد تدوین شده است.

صاحب الذریعه به نقل از کشف الظنون(ج ۱، ص ۱۹۸) به همین کیفیت که یادشد، بیان می کند.[۲۴] می نویسد:

«نصف اول این کتاب در خزانه کتابخانه مرکزی آستانقدس رضوی موجود است وپایان آن این است: «تمّ النّصف الاوّل من کتاب البصائر فی الوجوه و النّظائر ویقال له بصائر یمینی[۲۵]»

ودرفهرست تفاسیر کتابخانه آستان قدس رضوی(ج ۵/۱) نیز سخنان یادشده موجود است.

الجامع الستین للطائف البساتین (احتمالاً قرن ششم هجری)

این کتاب، اثر خواجه امام تاج الدّین سیف النّظر، جمال الائمه، ابوبکر، احمدبن محمّد بن زید طوسی است که در تفسیر سوره مبارکه یوسف به زبان فارسی و روش صوفیانه نگارش یافته است. این کتاب درمخزن خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ۱۶۴۷۷ موجود است ونیز با مقدمه، تصحیح و پاورقی از سوی محمّد روشن در سال ۱۳۴۵ هـ. ش توسط انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در یک جلد و در قطع وزیری، دارای ۷۲۱ صفحه، چاپ و منتشر شده است.

احوال مؤلف:

در رابطه با هویت نویسنده وتاریخ تألیف این کتاب، اطلاع دقیقی در دست نیست، چنانکه مصحح این کتاب، پس از تحقیقات زیاد که در رابطه با دو مطلب یاد شده به عمل آورده است، می نویسد:

«کوشش در راه شناختن تاج الدین، ابوبکر، احمدبن زید الطوسی بی سود ماند. از جست وجوی در کتابهای رجال و طبقات مفسران نیز، نامی ویادی از وی به دست نیامد...

در مطبوعات فارسی، نخستین بار که از«جامع الستین...» سخنی رفت، در ماهنامه«یغما»[سال اوّل شماره ۴، صفحه ۱۶۳ ونیز شماره پنج، همان سال، ص ۷۱الی ص ۲۲۶ وشماره شش، ص ۲۶۴] بود که که درآن سه حکایت با نام« نسخه قدیمی تفسیر سوره یوسف موجود در کتابخانه عمومی رشت» ازاین تفسیر نقل گردید. امّا نسخه همچنان ناشناخته ماند.

دانشمند گرامی آقای دکتر معین، نخستین کس بودند که به معرفی دقیق و علمی« نسخه خطی تفسیر سوره یوسف(ع)، مجموعه متعلق به کتابخانه ملّی رشت» پرداختند و مشخصات و مختصات آن را به مقالتی درماهنامه«یغما» برشمردند.[۲۶]»

آقای دکتر معین در معرفی نسخه خطی کتابخانه عمومی رشت ازاین تفسیر، با برشمردن نکته های دستوری و ویژگیهای نوشتاری، این تفسیر را از نوشته های سده ششم هجری دانسته است.[۲۷]

نثر روان و بی پیرایه کتاب وشیوه نگارش و ویژگیهایی که درآن است چنین حدسی را تأیید می کند. از سوی دیگر اشارت گونه هایی در متن کتاب آمده است که می تواند گویای زمان تقریبی نگارش آن باشد، مانند:

«... ای عجب پیشینگان معجزات عیان می دیدند می نگرویدند و مؤمنان بعد از چهارصد سال و پانصد سال خبری بشنیدند و بدان بگرویدند.»

این اشارت نیز بیانگر تألیف این کتاب در حدود اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است واز سوی دیگر نوع پرداخت کتاب و روش تنظیم آن با نثر «کشف الاسرار وعدّة الابرار» ابوالفضل رشید الدین میبدی مشهور به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، که به سال ۵۲۰ هـ.ق. نگارش یافته است، همانندی بسیار دارد واین نیز بیانگر تاریخ تقریبی نگارش این تفسیر است.

براساس مجهول بودن هویت مفسّر، بعضی کتاب را اثر نویسنده دیگری می دانند.

آقا بزرگ می نویسد:

«تفسیر جامع الستین در تفسیر سوره یوسف، تفسیری است فارسی، عرفانی، ادبی واخلاقی که مشتمل بر شصت فصل است و نویسنده آن، که مولی حسین بن علی واعظ بیهقی سبزواری کاشفی، (م: ۹۱۰) است، بر اصحاب خود در شصت مجلس، آن کتاب را املا کرده است... من این کتاب را در مشهد الرّضا(ع) در کتابخانه حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، دیدم و در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران، نیز یافته می شود.»[۲۸]

ولی این قول به دور از تحقیق است، زیرا پس از مطالعه سراسر کتاب به خوبی معلوم گردید که اثر احمد طوسی است، نه اثر واعظ بیهقی.

سبک نگارش، شیوه ترتیب مطالب، نحوه به کارگیری ادبیات فارسی درآن تفسیر و دیگر خصوصیات آن، در جای دیگر تحت عنوان «بررسی تفاسیر تک نگاری آستان قدس رضوی» به صورت مشروح، بیان شد و دراین مقاله، مجال بررسی مجدد آن نیست وفقط این نکته را یادآور می شویم که تفسیر یادشده، درمیان ادبیات زبان پارسی، جایگاه ویژه ای دارد.

پاورقیها:

۱. «ابن شهرآشوب»، معالم العلما، /۱۰۳.
۲. «همان مدرك»، پاورقی
۳. «همان مدرك»
۴. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۴/۲۹۶.
۵. «همان مدرك»
۶. عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱/۸۳.
۷. سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه، /۳۴۰.
۸. سیدحسن صدر، تأسیس الشیعه /۳۴۰، به نقل از ریاض العلماء.
۹. مضمون مطالب یادشده، از کتاب الذریعة، ج ۴/۱۲۶ اقتباس شده است.
۱۰. مطالب یادشده، از مقدمه محسن حسینی عاملی بر تفسیر مجمع البیان (انتشارات ناصر خسرو) ج ۱/۵۷ اقتباس شده است.
۱۱. مجله «حوزه»، سال چهارم، شماره ۱۹/۷۷، به نقل از طبرسی و مجمع البیان، ج ۲/۲۶.
۱۲. «همان مدرك».
۱۳. «مدرك پیشین».
۱۴. علامه مجلسی، بحارالانوار (چاپ بیروت) ج ۱۰۴/۱۹۱.
۱۵. مجله «حوزه»، سال چهارم، شماره ۱۹/۸۰.
۱۶. ابن شهرآشوب، معالم العلما، /۱۲.
۱۷. «مدرك پیشین».
۱۸. مجله حوزه سال چهارم، شماره ۱۹/۸۸.
۱۹. محسن حسینی عاملی، مقدمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱/۵۴.
۲۰. «مدرك پیشین».
۲۱. محسن حسینی عاملی، مقدمه، تفسیر مجمع البیان، ج ۱/۵۳ الی ۵۶.
۲۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۴/۲۶۶.
۲۳. ابن شهرآشوب، معالم العلما، /۴۵.
۲۴. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۴/۲۶۴.
۲۵. «مدرك پیشین».
۲۶. محمّد روشن، مقدمه الجامع الستین (سال ۱۳۴۵ انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) /۱۱-۱۲.
۲۷. دکتر معین، ماهنامه یغما، سال اوّل شماره ۷/۳۱۹.
۲۸. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۵/۶۷.